

پیامبر اکرم (ص):

دانیایی سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی سرآمد همه بدی‌هاست.

سخن روز

بحار الانوار (ط-بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۷۵



#کرونا

رکوردشکنی آمار قربانیان بیماری کرونا **هشتگ** کاربران شبکه‌های اجتماعی را ترسانند و آنها را وادار کرد بیشتر درباره این بیماری و خطراتش بنویسند. آنچه در بیمارستان‌ها می‌گذرد، گرانی داروها، خستگی کادر درمان و نکاتی که چاره‌ای جز رعایت آنها نداریم مسائلی بود که کاربران درباره‌اش می‌نوشتند: «بازهم رکورد: ۲۷۲ نفر، آمار فوتی‌های امروز کرونا... قشنگ داریم توی فیلم‌های ژانر وحشت زندگی می‌کنیم»، «دپیروز ۲۷۲ نفر بر اثر کرونا فوت شدن، مرگ و میرها داره وارد کانال ۳۰۰ میشه و ماها هم می‌شنویم و از کنارش رد می‌شیم»، «در ۲۴ ساعت گذشته» (۲۷۲) نفر دیگر در ایران بر اثر ابتلا به کرونا جان باختند. بیمارستان‌ها پر شده، خیلی از بیمارها مجبور هستند در نوبت بمانند که تخت برای بستری‌شان خالی شود، خیلی از داروها نیست یا بسیار گران است»، «پدر خانواده با اکسیژن ۶۰۰ در روزه ICU بستری است و امید ی به زنده ماندنش نیست. یک‌ساعت پیش پاسخ تست کرونا‌ی تمام اعضای خانواده را دیدم؛ وحشتناک بود. حداقل هفت نفر از اعضای خانواده درگیر کرونا شده‌اند. این روزها الگوی اصلی انتقال خانوادگی است. به محض بروز علائم اهمال و انکار



دادگاه و رقم‌های عجیب

چهارمین جلسه دادگاه تهیه کننده سریال شهرزاد **ماجرا** بانک سرمایه و صندوق ذخیره فرهنگیان حسابی جنجالی شد. هم به‌دلیل رقم‌هایی که به‌عنوان موارد اتهام محمد امامی اعلام شد هم به‌دلیل حمله‌های امامی به رسول قهرمانی نماینده دادستان. حرف‌های امامی و قهرمانی دیروز بارتاب زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت: «دادگاه عجیب و تندی را شاهد هستیم. حملات محمد امامی تهیه



کننده سریال شهرزاد به نماینده دادستان رسول قهرمانی به‌شدت بی‌سابقه است»، «محمد امامی با دفاع از سابقه سینمایی خود و سینماگرها، پشت تریبون قرار گرفت: هر فیلمم ۲۵ میلیون بازدید داشته‌است/ ۲۰۰ میلیون دی‌وی‌دی فیلم تولید کرده‌ام. حتی در دوران بازداشت،/ همین الان در پیش‌تولید ۳ سریال ملی و جهانی هستم که به‌زودی اخبار آن را خواهید شنید»، «توبخش اول دادگاه محمد امامی که به ماجرای صندوق ذخیره فرهنگیان وبانک



کیهان کلهر: نسل آینده اهل فرهنگ از درخت تناوری چون شجریان جوانه می‌زند

اگر هزار چشم داشتیم و هزار چشمه اشک روان، این داغ که برقلیم نشسته را سرد نمی‌توانستیم کرد... بعید و دوری بینم کس دیگری، به بلندای مستندی که او بر آن تکیه زده برسد... همه داغدارند، من نیز، اما براین مرگ اشک نمی‌ریزم چرا که اوزندگی را به زیباترین صورت زندگی کرد. نسل آینده اهل فرهنگ وخصوصاً دلدادگان آواز ایرانی از درخت تناوری چون شجریان جوانه می‌زند همانطور که او بر ریشه‌های عمیق فرهنگ کشورمان جوانه زدو طی راهی پرمشقت رشد کرد و بر سر به آسمان سایید.

بخشی از یادداشت این آهنگساز و نوازنده شناخته شده کمانچه در صفحه شخصی خود

همان بهتر که خانه بمانیم

در این نیم سالی که گذشت تجربه ثابت کرد که خدا را صد هزار مرتبه شکر؛ حتی هیولای جغری چون کووید ۱۹ هم نمی‌تواند خللی به کسب و کارهای ما بیندازد؛ همان‌طور که می‌بینید، در دکان‌ها باز است و کسب و کارها برقرار، متروها شلوغ و اتوبوس‌ها سوزن اندازه همه چیز بر وفق مراد به نظر می‌رسد به غیر از چراغ سالن‌های سینما که پیوسته خاموش و روشن می‌شود. نکته اینجاست که در روزگار ترس هگمانی، چراغ سینما، از اولین چراغ‌هایی بود که خاموش شد و حتی پس از ریختن آن ترس هم، چنان راست و درست روشن نماند، که سینماها هفته‌ای باز می‌شدند و هفته‌ای دیگر تعطیل. سامانه‌های نمایش خانگی بودند که برای اکران دست‌اول فیلم‌ها قد علم کرده و شادو سرخوش، مخاطبان را به تماشای فیلم‌های تازه به قیمتی ارزان‌تر و البته شرایطی سهل‌تر دعوت می‌کردند.

این شد که البته نه به سادگی که این تجربه هم مانند هر تجربه تازه دیگری در ایران که با درد و رنج بسیار همراه است، به سختی وبا حرف و حدیث بسیار به انجام رسید؛ سخن از قاچاق فیلم‌ها به میان آمد و ضرر جبران‌ناپذیری که سینماداران در اکران آنلاین هر فیلم متحمل می‌شدند، اما این زخم هم مثل هر زخم دیگری آنقدر نیشت‌ر خورده که بتدریج سیر شد، اما حالا که حداقل هر دو هفته یک‌بار، فیلمی جدید راهی اکران آنلاین می‌شود، معلوم است که کار این زخم از سیر شدن گذشته و بهبود یافته است، گویی که دست اندرکاران وقت بتدریج دریافتند که این اکران

یادداشت



بهارک محمودی
عضو هیات علمی رشته روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبایی

حفظ گوهر درخشان وجود

در بررسی زندگی بزرگان ادب و هنر و مفاخر هر جامعه، شاید نقش یک نکته بیش از بقیه عواملی که به محبوبیت و موفقیت آنها انجامیده پررنگ باشد. هر هنرمند موفق و برجسته تنها متکی به نبوغ و استعداد ذاتی خود نیست، حفظ گوهر وجودی و تلاش برای محافظت از آن حقیقتی است که نمی‌توان کتمان کرد. وظیفه‌ای دشوار که بسیاری از چهره‌های درخشان ادب، هنر و فرهنگ نتوانسته‌اند آن را تاب بیاورند. محمدرضا شجریان در سیر و سلوک شخصی و حرفه‌ای راهی را انتخاب کرد که ساده نبود. او تا توانست حریم شخصی‌اش را از گزند حوادث دور کرد، قطعاً بسیاری دوست دارند جزئیات شکست‌ها و موفقیت‌های او و روابطش را بدانند، اما همواره کوشید دور از نگاه‌ها و داورای‌ها بماند. درباره هر نکته‌ای اظهارنظر نمی‌کرد، زیاد به مصاحبه تن نمی‌داد، مگر در مواردی خاص و مهم. بیشتر درباره حوزه تخصصی و دانشی که داشت گفت‌وگو می‌کرد. بر خلاف اغلب بازیگرها و چهره‌های امروزی در نظر دادن محتاط بود و مدام در معرض دیده شدن قرار نمی‌گرفت. این گونه علاوه بر حفظ و حراست از جایگاه حرفه‌ای خود که بی‌همتا بود و پاسداری از جوهر وجودی و استعدادش در موسیقی ایرانی، از شخصیت هنری‌اش حفاظت می‌کرد؛ شخصیتی که طی سال‌های طولانی شکل گرفته بود، محصول پرهیزها و مراقبت‌های بسیار بود و طوفان حوادث و رویدادهای تلخ اندکی از وجهات آن نمی‌کاست. در سینما، نزدیکترین مثال به استاد شجریان، زنده‌یاد آهنگسازی منتظمی است. او هم طی سال‌های طولانی فعالیتش کوشید آبرو و اعتبارش را حفظ کند. انتظامی بزرگ با پاسخ‌های منفی بسیاری که به پیشنهادهای کاری می‌داد و با انتخاب‌ها و حضورهایش سر و گردنی از همسلاشش فاصله گرفت، مانند استاد شجریان در ایام حیات پرتشرش، قدر دید و ستایش شد. حضورش زینت و مراسم و اعتبار فیلم‌ها بود، محبوب و باعزت ماند و با آبرو از این دنیا رفت. این مواهب اتفاقی نبود و با مرارت و ممارست به دست آمده بود.

خانواده‌های معظم شجریان و انتظامی این حلقه را کامل کرده‌اند. آنها قدر این بزرگان را دانسته و با رفتارهای درست خود جایگاه آنان را متزلزل نکرده‌اند. جنس احترام و ادبی که بین محمدرضا شجریان و فرزندانش دیده‌ایم، شبیه ارادتی است که مجید انتظامی به پدر فقیدش داشته و دارد و محبتی که عزت‌الله انتظامی ثار خانواده و فرزند هنرمندش می‌کرد در نسل پس از او دیده می‌شود. خوشبختانه آن مهر، شور و قدرشناسی در فرزندان مجید انتظامی وجود دارد.

در مراسم تشییع پیکر استاد شجریان، وقار و رفتار محترمانه همایون شجریان در شرایطی دشوار، دقیقاً مبتنی بر همان تصویری بود که از این خاندان در ذهن وجود دارد؛ تصویری که اصالت و اعتباری ریشه‌دار را تداعی می‌کند. پرهیز از انتشار عکس‌های مختلف از زمان بیماری طولانی و چند ساله هر دو بزرگوار که با حساسیت هر دو خانواده پیگیری شده، یکی از درست‌ترین رویکردها در حفظ آن گوهر و اعتبار است. آقای بازیگر و استاد شجریان با تصویرهایی در خور شأن و جایگاهشان در ذهن‌ها ماندگار شده‌اند. برای ماندگاری این تصاویر، درایت و هوشمندی قابل ستایشی وجود داشته است.

روایت غزالی از هنر و زیبایی

جدیدترین کتاب حسن بلخاری، استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با عنوان «خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی» از سوی انتشارات فرهنگستان هنر منتشرشده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

امام محمدغزالی، همان‌طور که در مقدمه کتاب هم آمده بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین متفکران جهان اسلام است که در احیای راستین اندیشه‌های اسلامی و نیز آئسن عقل و دل یا شریعت و تصوف نقشی بی‌نظیر و بی‌بدیل دارد. القابی چون «امام»، «حجت الاسلام»، «مجدد» و «زین الدین» مصداق‌هایی بر این ادعا هستند.

هر چند همانگونه که بلخاری هم در کتاب آورده، نمی‌توان از برخی تعصبات غزالی چشم پوشید و دیده بر کلماتی اینچنین فروست: «این مسائل که (آرای فیناغورث و ارسطو) جزو حشویات فلسفه است در رسائل اخوان الصفا آمده است. با این همه در نظر منم از کسی که همه عمر خود را به طلب دانش به رنج می‌اندازد و به اینگونه مزخرفات قانع می‌شود و پیش خود می‌پندارد که به نهایت دانش‌ها دست یافته است.»

اینگونه سخن گفتن و رسائل اخوان الصفا را به‌عنوان اولین دانشنامه جهان اسلام (که در بسیاری موارد مستند به آیات و روایات است) مزخرف نامیدن، حسی ناخوشایند و بالطبع حس و قضاوتی در انسان برمی‌انگیزد که آیا در موارد مختلف می‌توان به حکم این متکلم اعتماد کرد و سخنش را به‌عنوان سخنی مستقل پذیرفت؟! با وجود این و با اغماض از این آرای نامستند و

برخاسته از احساس (و نه اندیشه)، غزالی درست در میان دو رویکرد درخشان فلسفه و حکمت اسلامی، متأثر از دیروز خویش و بسیار مؤثر بر فردای خود، سربلند و سرافراز ایستاده است. گرچه تهافت‌الفلاسفه را می‌نویسد اما مقاصد‌الفلاسفه را نیز نوشته و البته در بسیاری از اندیشه‌های خود وامدار فلسفه‌پیش از خویش بوده است؛ همچون مباحث مربوط به نفس و خیال و زیبایی که مجوز اصلی این پژوهش است و نگارنده به سیر تاریخی آن و تأثیرپذیری صریح غزالی از فلاسفه پیشین واقف است.

به هر حال قصد این نوشتار بررسی این مناقشه بلند تاریخی نیست، بلکه تنها تأمل بر آرای عمیق و تأثیرگذار او در احیاءالعلوم، کیمیای سعادت، مشکوٰه‌الانوار و برخی دیگر از آثار او چون مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی درباره هنر (فن)، زیبایی، خیال و نبیره ذوق است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی محسوب می‌شوند.

بابی مستقل و وسیع در باب موسیقی، هم در احیاءالعلوم و هم در کیمیای سعادت نگاشتن، تأملات بسیار غنی و عمیق درباره جمال و زیبایی در احیاءالعلوم ارائه نمودن، لطافتی در کارکرد قوه خیال و کارکردهای عظیم هنری آن بیان داشتن، تحلیل قدرّی از قوه ذوق ارائه دادن و مهم‌تر استناد به مثال‌های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله اختصاصات آرا و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری آثار اوست.

عکس‌نوشت

گوهاینامه درجه یک هنری جمشید هاشم‌پور توسط دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان و نویسندگان و شاعران کشور اعطا شد. سید محمد طباطبایی، نماینده وزیر و دبیر شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسدگان و شاعران کشور و نماینده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با حضور در منزل جمشید هاشم‌پور این گواهینامه را به وی اعطا کرد.



درخت شکوفامی‌شود از من نسیم‌وزان می‌شود بامن کنون که شادی را آب‌های جهانم روان بر کشتزارهای سبز تاجاوید...

بخشی از منظومه «نیزه مرد پارسی دور رفته» جواد مجابی



به نام تاریخ

روزهایی که در آنها درگذشت هنرمندی ثبت شده روزهای بهتری هستند؛ در برگه تقویم ۲۲ مهر هم تولد چهره‌های فرهنگی و هنری شناخته شده‌ای را می‌بینیم اما خبری از درگذشت نیست و همین اتفاق خوبی است.

■ **تولدا**

جواد مجابی: شاعر و نویسنده و منتقد ادبی سال ۱۳۱۸ در چنین روزی به دنیا آمد. جواد مجابی روزنامه نگاری را در دهه ۴۰ شمسی آغاز کرد و با مجله‌های ادبی مانند فردوسی، خوشه، آدینه و دنبای سخن همکاری می‌کرد، پس از مدت‌ها روزنامه‌نگاری ادبی و نقدنویسی نوشتن اشعار، داستان و تحقیقاتش را جدی‌تر دنبال کرد که نتیجه آن چاپ ۸ مجموعه شعر، چهار مجموعه داستان کوتاه، ۹ رمان و چند داستان کودکان و آثار طنز است؛ تحقیقات او درباره تاریخ طنز در متون ایران و پژوهش‌هایش درباره شاعرانی مانند احمد شاملو بسیار شاخص است؛ جواد مجابی تنها در حیطه ادبیات فعالیت نکرده و تحقیقات گسترده‌ای هم درباره نوپردازان هنرهای تجسمی ایران انجام داده که در قالب کتاب «نود سال نوآوری در هنر تجسمی ایران» منتشر شده است. مجموعه اشعار «پرواز در مه»، «بویکانه»، «شعرهای من و پوپک»، «وطن روی کاغذ»، «سر بر خط عاشقی» و «سال‌های شاعرانه»، مجموعه داستان‌های «کتیبه»، «از دل به کاغذ»، «قصه روشن» و «کتیبه و ایوب»، طنزهای «یادداشت‌های آدم پرمدها»، «شب نگاره ها»، «جونم واسـت بگه» و «نیشخند ایرانی» و پژوهش‌های «آیینۀ اِمـداد»، «شناختنامه شاملو»، «شناختنامه ساعدی»، «دویست نقاش و تندیس گر» و «تصویرگری شاهنامه در ایران» از جمله آثار مجابی است.

رضا سید حسینی: امروز نود و چهارمین سالروز تولد نویسنده و مترجم ایرانی است. رضا سیدحسینی ترجمه را از ۱۶ سالگی با ترجمه آثار ترکی استانبولی و ترکی آذربایجانی آغاز کرد، پس از اینکه در امریکا قلمسازری خواند به ایران بازگشت و از استناداتی مانند پرویز ناتل خانلری زبان فرانسه را یاد گرفت. او کتاب‌های زیادی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است؛ آثاری مانند «غوغای ژوئیه»، «طاعون»، «لایم لایت»، «بهار کشنده»، «امید»، «پهانه‌ها» و «در دفاع از روشنفکران». علاوه بر ترجمه او نقش مهمی در جمع‌آوری و انتشار دایرة المعارف فرهنگ آثار داشت که در ۶ جلد به معرفی آثار مکتوب ملل جهان پرداخت. این دایرةالمعارف با سرپرستی سیدحسینی و همراهی مترجمان و ویراستاران مشهور ایران جمع‌آوری و منتشر شد. سال ۱۳۸۰ رضا سیدحسینی به‌عنوان چهره ماندگار ترجمه معرفی شد و نشان سوالیه «پالم آکادمیک» فرانسه را در سال ۲۰۰۰ گرفت. او سال ۱۳۸۸ درگذشت.

ساشا بارون کوهن: بازیگر و کم‌دین انگلیسی امروز ۴۹ ساله می‌شود. ساشا بارون کوهن با بازی در نقش «بورات» در فیلم کم‌دی «بورات: یادگیری‌های فرهنگی امریکا برای انجام منفعت ملت پرشکوه قزاقستان» به شهرت رسید. فیلمی که خودش هم جزو نویسندگان فیلمنامه‌اش بود و برایش نامزد جایزه اسکار هم شد. او در فیلم «دیکتاتور» هم درخشید و نقش دیکتاتور یک کشور خیالی را بازی کرد که خیلی‌ها معتقد بودند به قذافی شباهت دارد. «برونو»، «سوئینی تاد»، «هوکو»، «بینوایان»، «شب‌های تالادگا»، «امریکا کیست» و مجموعه تلویزیونی «جاسوس» از دیگر کارهای اوست.

حسمت‌الله جودکی: نوازنده شاخص ویولن امروز ۱۳۰ به دنیا آمد. پدر حسمت‌الله جودکی از نوازندگان کمانچه و عمویش استاد ویولن بودند و به همین دلیل او هم از کودکی با موسیقی رشد کرد؛ بیشتر به ویولن علاقه داشت و این ساز را از عمویش آموخت و با روزی ۱۴ ساعت تمرین آنچنان در نواختن آن پیشرفت کرد که در ۱۴ سالگی توانست کلاس موسیقی تشکیل دهد، پس از آن از طرف رادیو خرم آباد برای همکاری دعوت شد و سال‌ها با این رادیو همکاری کرد. حسمت‌الله جودکی در دوران فعالیت‌اش در کنار هنرمنداتی مانند محمدرضا شجریان، علی اصغر بهاری، اسماعیل زرین فر، عباس شاپوری و محمد میرنقیبی نواخت. او اواخر سال ۹۸ درگذشت.

عطا چنگوک نوازنده و مدرس تار سه تار، **حسین راضی** بازیگر تئاتر، **اربرت ویلسون** کارگردان آمریکایی، **باربارا ساس** کارگردان لهستانی، **جواد شجاعی فرد** شاعر و **فریا یوسفی** شاعر هم در چنین روزی به دنیا آمده‌اند.

